

تبت، دین و دولت کمونیست

بخش دوم

29 اسفند 1390

علی فرح بخش / رادیو کوچه

در پرونده‌ی پیشین، پیرامون بیش از نیم قرن تنش میان تبت و دولت کمونیست چین، مختصر شرحی به‌میان آمد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، در این پرونده به زندگی‌نامه‌ی رهبر بوداییان تبت «دالایی‌لاما» می‌پردازیم.

«دالایی‌لاما» (Dalai Lama)، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مذهبی و سیاسی جهان شمرده می‌شود. تلاش پی‌گیر و مستمر در حفظ صلح و آرامش در تبت و در سراسر جهان، چهره‌ای برجسته و محبوب از او خلق کرده‌است.

وی در ششم جولای 1935، در منطقه‌ی «لامودون‌دروپ» (Dhondrub Lhamo)، در یک خانواده‌ی روستایی در قریه‌ی کوچکی به نام «تاکت‌سر» (Taktser) متولد شد.

فرقه‌ی بودایی «لاماییسم» (یا فرقه‌ی کلاه زرد) یکی از بزرگ‌ترین مکاتب تبت محسوب می‌شود و پیروان آن بر این اعتقادند که رهبران یا لاماها، پس از مرگ، به کالبدی جدید نقل مکان کرده و مجدداً به‌صورت انسان متولد می‌شوند تا راهنمای پیروان آیین باشند (نظام تناسخی). دالایی‌لامای عصر حاضر، چهاردهمین تناسخ این چرخه است. بوداییان تبت، وی را یکی از بودایان زنده‌ی جهان می‌دانند که رهبری مذهبی قوم تبتی چین را بر عهده داشته و از سوی پیروان، یکی از تجلیات «بُدی‌ستوه» (Bodhisattva) یا همان «بودای رحم و شفقت» محسوب می‌شود. نام اصلی وی، «تین‌زین-گیاتسو» (Gyatso Tenzin) است. وی را با القابی نظیر اقیانوس خرد، عالی‌جناب و غیره خطاب می‌کنند، تبتی‌ها وی را «ییشی‌نوربو» (Yeshe Norbu) و در حالت ساده‌تر او را «کوندون» (Kundun) می‌نامند.

تنزین گیاتسوی کوچک، پس از شناسایی توسط بزرگان مذهبی، در بیست و دوم فوریه 1940، در پنج سالگی به «لهاسا» (Lhasa)، مرکز تبت وارد و به شکل رسمی، لقب دالایی لاما چهاردهم به وی اعطا شد. او آموزش‌های مذهبی و غیره را از شش سالگی آغاز کرد و در سال 1959 (در 25 سالگی) درجه‌ی «گشه لارامپا» (Geshe Lharampa) یا درجه‌ی دکتری در فلسفه بودیسم را تکمیل کرد.

در هفدهم نوامبر 1950، دالایی لاما رسماً مسوولیت سیاسی تبت را قبول کرد. این امر پس از ورود ارتش کمونیست چین به خاک تبت روی داد. دولت چین پس از انقلاب «مائو»، تبت را که تا آن زمان خودمختار بود، جزیی از خاک سرزمین مادری چین اعلام کرد و از این زمان اختلافات آغاز شد. دولت کمونیست، تبت را جزیی از چین می‌دانست و از سوی دیگر، تبت بر خودمختاری دولتش پا فشاری می‌کرد.

در سال 1954، دالایی لاما برای مذاکره‌ی صلح‌آمیز به پکن رفت و با «مائو» (Mao Tse-tung)، «چو این لای» (Chou En-lai)، «دینگ سیائوپینگ» (Xiaoping) و دیگر سران دولتی چین وارد مذاکره شد. در سال 1956 دالایی لاما برای شرکت در دو هزار و پانصدمین جشن سالپانه‌ی بودا به هند سفر و با نخست‌وزیر «نهر» (Nehru) ملاقات و با وی پیرامون وضعیت رو به زوال تبت گفت‌وگو کرد. پس از آن، اختلاف و نزاع‌ها میان چین و تبت بالا گرفت و «نهیضت مقاومت تبت» با دولت کمونیست وارد جنگی نابرابر شد و دالایی لاما در این میان سعی در حفظ صلح و آرامش نمود، اما کاری از پیش نبرد. در دهم مارس 1959 تبت رسماً شکست خورد و لهاسا در هم شکست. بسیاری از راهب‌های بودایی قتل‌عام شدند. بیش از هشتاد هزار تبتی آواره شده و دالایی لاما به هند گریخت و تبعید شد.

امروزه بیش از صدوبیست هزار تبتی در تبعید به سر می‌برند. از 1960 میلادی، دالایی لاما در «دارامسالا» (Dharamsala) هند به سر می‌برد و این شهر به «لهاسای کوچک» شهرت دارد. از آن تاریخ تا کنون، وی تلاش پی‌گیر و مستمر خود را در راستای آزادی تبت، با توسل به روش‌های صلح‌آمیز حفظ کرده‌است. وی گذشته از جنبه‌های سیاسی، از بزرگ‌ترین سران مذهبی جهان قلمداد شده و اهداف صلح‌جویانه‌ی وی در راستای ایجاد صلح جهانی و انتشار آرامش، عشق و یکساندلی، مورد تکریم و احترام جهانیان است، در این راستا وی در سال 1989 مفتخر به دریافت جایزه صلح نوبل شد.

از سال 1967 دالایی لاما سفرهای دوره‌ای خود را به سراسر جهان آغاز کرد و تاکنون به بیش از 46 کشور دنیا سفر کرده و در دانشگاه‌ها و انجمن‌های گوناگون، سخنرانی‌هایی پیرامون بودیسم، صلح و آرامش ارائه داده‌است. همچنین بسیاری از دانشگاه‌ها و انجمن‌ها در سراسر دنیا، مدارک دکترای افتخاری و تقدیرنامه‌های گوناگونی را به وی تقدیم کرده‌اند. وی با رهبران مذهبی گوناگون در سراسر جهان نشست‌هایی داشته و همواره جهانیان را به عشق، آرامش، مهربانی و احترام متقابل دعوت کرده‌است.

عشق ناب و بی‌پایان این شخصیت ارزشمند، نه تنها در راستای اهداف بشردوستانه، بلکه در راستای گسترش همدردی و ایجاد امنیت برای تمامی موجودات هستی، گسترش یافته‌است، چنان‌که خود می‌گوید: «ما باید عشق و همدردی را نسبت به تمام موجودات زنده‌ی روی زمین روا داریم.»

دالایی‌لاما هم‌اکنون در یک خانه‌ی روستایی در دارام‌سالای هند سکونت دارد و فعالیت روزانه‌ی خود را از ساعت چهار صبح با تمرینات مدیتیشن آغاز می‌کند، سپس به ملاقات‌های کاری و شخصی خود می‌پردازد و به آموزش شاگردان و علاقه‌مندان نیز مشغول است. وی چندین جلد کتاب نیز پیرامون بودیسم و صلح جهانی به رشته‌ی تحریر در آورده‌است.
